

زنگ خطر حوادث خونین خانوادگی

در چند روز گذشته چند حادثه خونین خانوادگی در نقاط مختلف کشور اتفاق افتاد که در جریان آن عضوی از خانواده، اعضای دیگر را به قتل رسانده است که خبرهای آن به رسانه‌ها راه پیدا کرد. البته این امکان وجود دارد که حوادث بیشتری با همین موضوع اتفاق افتادباشد که به هر حال چرایی وقوع آن باید به صورت تحلیلی بررسی شود تا از وقوع حوادث مشابه پیشگیری شود. اولین حادثه، سوم آبان ماه در شهر جالق سراوان در استان سیستان و بلوچستان اتفاق افتاد. در جریان این حادثه پسر خانواده سه‌خواهر، نامادری و فردی که به عنوان همهمان در خانه حضور داشت را با شلیک گلوله به قتل رساند. پلیس مثل همیشه در باره چرایی وقوع این حادثه اطلاع‌رسانی نکرد و به گفتن جمله کلی اختلاف خانوادگی پسنده کرد. متهم پرونده آنگونه که در شبکه‌های اجتماعی عکس و فیلم‌هایی از وی منتشر شده از افراد مسلح منطقه بوده‌است که برای جلب توجه علاقه‌یادی به تیراندازی داشته و همواره علاقه‌مندی خود را هم بروز داده است.

دومین حادثه خونین، شامگاه ششم آبان یعنی سه‌روز پس از وقوع اولین حادثه و این بار در روستای گورابسر شهرستان کوچاصفهان رشت اتفاق افتاد. در جریان این حادثه هم پسر ۲۳ساله خانواده که محمد نام داشت با همدستی یکی از دوستانش پنج‌نفر از اعضای خانواده‌اش را به قتل رساند. قربانیان حادثه هم پدر ۵۰ساله، مادر ۵۰ساله، پدربزرگ ۸۰ساله، خواهر ۲۰ساله و دوست خواهر ۲۰ساله متهم که هر دو دانشجوی پزشکی شهرستان خلخال بودند با ضربات چاقو به قتل رسیدند. دوست خواهر متهم، اهل شهرستان اردبیل بود که برای تفریح قدم به این قتلگاه گذاشته بود. پلیس انگیزه متهم را اختلاف خانوادگی اعلام کرد اما در جریان تحقیقات میدانی اعلام شد که حادثه با انگیزه ناموسی رقم خورده است.

دوازدهم آبان ماه اما خبر وقوع سومین حادثه خونین منتشر شد. حادثه این بار در شاهد شهر شهریار در استان تهران اتفاق افتاد. عامل حادثه این بار هم پسر خانواده بود که پدر ۴۵ساله، مادر ۴۰ساله و برادر ۱۲ساله‌اش را با ضربات چاقو به قتل رساند. امیرعلی ۱۸ساله دانش‌آمو سال آخر دبیرستان در باره انگیزه‌اش گفت که تبعیضی که خانواده‌اش بین او و برادرش قائل می شدند، سبب شد تا دست به این جنایت بزند. او پس او وقوع حادثه از قتل مادر و برادرش اظهار ندامت کرد، اما گفت که از قتل پدرش پشیمان نیست.

دو‌روز پس از وقوع این حادثه خونین خبر رسید که یکی از پزشکان در شهرستان گنبدمسر و خواهرش را با ضربات چاقو به قتل رسانده و سپس با خوردن قرص برنج به زندگی خودش پایان داده است. عامل حادثه که از پزشکان عمومی بود، ابتدا همسرش که متخصص اطفال بود را با ضربه چاقو به کام مرگ کشاند سپس دستش به ارتکاب قتل خواهرش که از کارمندان ادار برق شهر بود، زد و سرانجام به زندگی خودش پایان داد. در توضیح بیشتر حادثه عنوان شده است که پزشک و همسرش از مدت‌ها قبل دچار طلاق عاطفی بودند. هر چند پلیس به طرح اختلاف خانوادگی برای بروز این عمل مجرمانه اکتفا کرده اما گفته شده که بدگمانی از بروز عملی غیر اخلاقی در ارتکاب حادثه نقش داشته است.

شمار قربانیان این چهار حادثه خونین ۱۶ نفر است، یعنی حدود سه‌برابر قربانیان زلزله ۵/۹ ریشتری که شامگاه جمعه شمال غرب کشور را لرزاند و شوش‌نفر را به کام مرگ کشاند. در حوزه برخورد با عاملان این رسته از حوادث تجربه نشان داده‌است که پلیس به سرعت مرتکبان آن را بازداشت و دستگاه قضایی هم آنها را مجازات کرده‌است، اما مجازات مرتکبان هرگز پایانی برای قطع بروز اعمال مجرمانه نبوده‌است. نقطه مشترک حوادث مورد اشاره، خانوادگی بودن آن است که انگیزه‌هایی که باعث بروز آن شده قادر خواهد بود در خانواده‌های دیگری هم تکرار شود. هر چند این پرونده‌های خونین هر کدام با استناد به محتویات آن باید در جای خود مورد بحث قرار گیرند، اما زنگ خطر بحران در کانون‌های خانواده مدت‌هاست که به صدا درآمده است. استناد این سخن به خبرهای بالا رفتن آمار طلاق و ارتکاب قتل یا خشونت از سوی عضوی از خانواده است که مدام در صفحه حوادث منتشر می شود. بی‌توجهی ساختارهای قانونی کشور به معضلات موجود سبب شده است تا بسیاری از افراد به جای رجوع به قانون برای حل کردن معضل ایجاد شده در مقام مجری قانون ظاهر شوند که عمل مجرمانه آنها البته از سوی گروه‌هایی هم حمایت می شود. عدم رجوع این دسته از مرتکبان به جرائم به قانون هم مستداتی مثل افتادن در دالان‌های هزار توی قانونی دارد که همواره از سوی بدنه اجتماعی جامعه مطرح شده اما دستگاه قضایی به آن وقتی نگذاشته‌است. تأکید آموزه‌های دینی همواره بر تکریم و تحکیم بنیان خانواده بوده‌است، اما با حاکمیت سبک‌های زندگی تازه در فضای اجتماعی و فاصله گرفتن افراد خانواده به دلایلی مثل عضویت تازه به جای رجوع به رسیدهای مثل شبکه‌های اجتماعی در کانون‌های خانواده ضرورت دارد تا در شیوه آموزش برای تحکیم بنیان‌های خانواده بازنگری صورت گیرد.



کلاهبرداری با وعده بازی در تیم‌های اروپایی
مرد فربیسکار که با وعده بازی در تیم‌های فوتبال معتبر اروپایی نوجوانان و جوانان علاقه‌مند را فریب داده است و از خانواده آنها کلاهبرداری می کرد، بازداشت شد. به گزارش جوان، سرهنگ صادق ربیفری، رئیس پایگاه هشتم پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ گفت: چندی قبل والدین پسر نوجوانی وارد پلیس امنیت شده به مأموران خبر دادند که مردی با وعده بازی پسر نوجوان‌شان در یکی از تیم‌های معتبر فوتبال اروپا آنها را فریب داده و پول هنگفتی از آنها کلاهبرداری کرده‌است. در حالی که بر سر می‌ها در جریان بود شکایت‌های مشابهی به پایگاه هشتم پلیس امنیت تهران گزارش شد. یکی از شاکیان گفت: متهم با وعده بازی پسرم در لیگ یک کشور ۵۰هلیپون تومان از من کلاهبرداری کرده‌است. مأموران پلیس بعد از بررسی شکایت‌ها متوجه شدند که همه کلاهبرداری‌ها از سوی یک نفر رقم خورده است، بنابراین متهم را تحت تعقیب قرار داده و پس از شناسایی مخفیگاهش در محله سعادت‌آباد اواخر هفته گذشته او را بازداشت کردند. سرهنگ صادق ربیفری گفت: متهم به دستور قضایی قرار قرار وثیقه‌راهی زندان شد.



۷ پلیس قلابی که از گردشگران سرقت می کردند بازداشت شدند

سر دسته باند: در کودکی

آموزش سرقت دیده‌ام

۷ گزارش
محبوبه قربانی

هفت عضو یک شبکه سرقت که در پوشش پلیس از گردشگران سرقت می کردند یک به یک بازداشت شدند. سر دسته باند که به چند زبان مسلط و مدعی است از هشت سالگی فعالیت خود را شروع کرده و سابقه دزدی در چند کشور اروپایی هم در کارنامه‌اش ثبت شده است.

به گزارش جوان، فروردین‌ماه‌امسال بود که یکی از گردشگران کشور کویت با مراجعه به اداره پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ از مرد جوانی به اتهام زورگیری در پوشش مأمور پلیس شکایت کرد. او که به زبان فارسی مسلط بود در توضیح به مأموران گفت: «چند روز قبل از کویت برای گردشگری به ایران آمده‌بودم و در هتلی در شمال شهر سکونت داشتم. تعریف بازار تهران را شنیده‌بودم به همین دلیل خانواده‌ام راهی بازار بزرگ تهران شدیم. نزدیک خیابان مروی بودیم که مرد جوانی با من صحبت می‌کرد و به پلیس آگاهی منتقل شد. مبلغی دلار همراه دارم. او مسلط به زبان عرب بود که مدعی شد دلارها جعلی است و باید همراهش بروم مقاومت کردم اما او مرا به مکان خلوتی برد و بعد از بازی بدنی محتوای کیفم را بیرون ریخت و بعد از شمارش دلارها آنها را داخل کیفم گذاشت و عذرخواهی کرد که اشتباه شده‌است»

شاکی ادامه داد: «بعد از رفتن آن مرد وقتی دلارها را شمردم متوجه شدم او مقداری از پول‌هایم را سرقت کرده و مأمور قلابی بوده‌است».

با طرح این شکایت و شکایت‌های مشابه در حالیکه تعداد شاکیان این پرونده به ۲۰ نفر رسیده بود، تحقیقات پلیسی در دستور کار قرار گرفت و بررسی‌های اولیه نشان داد، یک هفت نفره حرفه‌ای با خودروهای پژو ۴۰۵ و ۴۰۵ و گاهی خودروهای شاسی بلند از جمله سائفا و هیوندا در محدوده‌های مهر آباد، بازار تهران و نقاط مرزی شهر

برایت راحت بود که از کشورهای دیگر کف‌زنی کنی؟

بله، چون به چند زبان دنیا مسلط هستم به همین خاطر ارتباط با آدم‌ها در کشورهای دیگر خیلی راحت بود.

از چه سنی کف‌زنی می کردی؟

از هشت سالگی
گفتی همسرت ایرانی نیست؟

نه او اهل ترکیه است.

چطور با او آشنا شدی؟

در سن نوجوانی با خانواده‌ام به کشور ترکیه رفتیم و او دختر صاحبخانه‌مان بود. با خانواده‌اش صحبت کردم، ولی آنها راضی به ازدواج ما نبودند.

بعد چه شد؟

او را در دیدم. آخه در طایفه ما رسم بود دختر را بدزدند تا با او ازدواج کنند! من هم این کار را کردم ولی سر مرز دستگیر شدم.

همسرت از وضعیتی که داری خبر دارد؟

نه، او و خانواده‌اش خیلی افراد آبرومندی هستند. پدرش صاحب چند هتل در ترکیه است.

به فرزندانت نیز کف‌زنی یاد دادی؟

نه، اگر چه در طایفه ما رسم است که به فرزندانشان از همان بچگی کف زنی یاد دهند، اما من این کار را نکردم. آنها در درس خوانده‌اند و حالا پسر بزرگم صاحب چند هتل است.

پشیمان، فریب خوردم

دیگر عضو این باند مرد ۳۴ساله داری بود که در کشورهای دیگر از جمله هندوستان نیز مرتکب سرقت شده بود. متهم به شدت گریه می کرد و می گفت: «پشیمان، فریب خوردم.» او و چند نفر از اقوامش اعضای این باند بودند.

چرا گریه می کنی؟

پشیمانم. آخه زن و بچه دارم.

چند فرزند داری؟

سه پسر دارم. یکی ۱۵ساله و دیگری ۱۳ساله و آخری هم یکساله و نیمه است.

چطور وارد این باند شدی؟

باجناقم در این باند بود که من هم به خاطر گرفتاری‌های زندگی با او همراه شدم.

چند نفر از این باند اقوام تو هستند؟

باجناقم که به هندوستان فرار کرده‌است، برادر باجناقم و برادر همسر.

به سپرانت کف‌زنی یاد داده‌ای؟

خیر، آنها را خیلی نصیحت می کنم.



همین که خودم آلوده شده‌ام بس است.

در هندوستان چطور کف زنی می کردی؟

به زبان آنها مسلط بودم به همین دلیل از آنها می خواستم پولشان را نشان دهند که تقلبی نباشد. به این بهانه پول‌هایشان را می شمردم و چند تا از آنها را کف‌زنی می کردم.

دیگر عضو این باند مرد ۳۴ساله داری بود که در کشورهای دیگر از جمله هندوستان نیز مرتکب سرقت شده بود. متهم به شدت گریه می کرد و می گفت: «پشیمان، فریب خوردم.» او و چند نفر از اقوامش اعضای این باند بودند.

چرا گریه می کنی؟

پشیمانم. آخه زن و بچه دارم.

چند فرزند داری؟

سه پسر دارم. یکی ۱۵ساله و دیگری ۱۳ساله و آخری هم یکساله و نیمه است.

چطور وارد این باند شدی؟

باجناقم در این باند بود که من هم به خاطر گرفتاری‌های زندگی با او همراه شدم.

چند نفر از این باند اقوام تو هستند؟

باجناقم که به هندوستان فرار کرده‌است، برادر باجناقم و برادر همسر.

به سپرانت کف‌زنی یاد داده‌ای؟

خیر، آنها را خیلی نصیحت می کنم.

دیگر عضو این باند مرد ۳۴ساله داری بود که در کشورهای دیگر از جمله هندوستان نیز مرتکب سرقت شده بود. متهم به شدت گریه می کرد و می گفت: «پشیمان، فریب خوردم.» او و چند نفر از اقوامش اعضای این باند بودند.

چرا گریه می کنی؟

پشیمانم. آخه زن و بچه دارم.

چند فرزند داری؟

سه پسر دارم. یکی ۱۵ساله و دیگری ۱۳ساله و آخری هم یکساله و نیمه است.



متهم: می خواستم با مقتول سلفی بگیرم کشته شد!

مجرم سابقه‌دار که متهم است در بزمی شبانه مرگ پسری نوجوان را رقم زده مدعی است، هنگام گرفتن عکس سلفی حادثه مرگبار رقم خورده‌است.

به گزارش جوان، تابستان سال ۹۷، مأموران پلیس از مرگ مشکوک پسر نوجوانی در ساختمانی مسکونی در غرب تهران باخبر و راهی محل شدند. شواهد نشان می داد امید ۱۵ساله بر اثر سقوط از تراس طبقه چهارم ساختمان مسکونی فوت کرده‌است.

با انتقال جسد به پزشکی قانونی، کامران ۳۳ساله، پیمان ۲۵ساله و مهرداد ۱۴ساله که از دوستان امید بودند، مورد تحقیق قرار گرفتند و ادعا کردند امید بعد از خوردن مشروب به تراس رفته و به خاطر عدم تعادل به پایین سقوط کرده است.

تحقیقات در این زمینه ادامه داشت تا اینکه ادعاهای مهرداد تحقیقات را وارد مرحله تازه‌ای کرد. او در توضیح به مأموران گفت: «شب حادثه به خانه کامران رفته بودیم. او در خانه مشروب سرو کرده بود و به همه ما تعارف کرد. امید اعتقادات مذهبی داشت به همین دلیل مشروب نخورد اما کامران به زور به تراس مشروب خورداند و بعد قصد آزار او داشت به همین خاطر امید را به تراس برد اما بعد از آن متوجه شدیم چه اتفاقی افتاد.» با ثبت این اظهارات و نظریه پزشکی قانونی که سقوط پسر جوان را عمدی اعلام کرده بود، کامران با ۱۵ فقره سابقه کیفری بازداشت شد و تحت بازجویی قرار گرفت. اما جرمش را انکار کرد. با انکارهای متهم اما بنا به شواهد موجود، وی به اتهام قتل عمد و دوستانش، پیمان و مهرداد نیز به اتهام معاونت در قتل روانه زندان شدند.

پرونده بعد از صدور کیفرخواست به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و صبح دیرروز روی میز هیئت قضایی به ریاست قاضی قریان‌زاده قرار گرفت. ابتدای جلسه اولیای دم در خواست قصاص کردند.

سپس کامران در جایگاه ایستاد و با انکار جرمش گفت: «آن شب امید به میل خودش مشروب خورد اما حالش بد شد به همین دلیل به تراس رفتم. من هم به تراس رفتم و بعد از اینکه حالش بهتر شد از او خواستم با هم عکس سلفی بگیریم، اما امید تعادلش را از دست داد و به پایین پرتاب شد.» او در خصوص آزار مقتول نیز گفت: «من قصد آزار او را نداشتم و برای گرفتن سلفی به او نزدیک شدم.»

در ادامه مهرداد نیز گفت: «من ندیدم در تراس چه اتفاقی افتاد و چرا مقتول به پایین سقوط کرد اما گمان می کنم کامران قصد آزار او را داشت.»

در آخر دیگر متهم نیز گفت: «من مشروب خورده بودم و در حال خودم نبودم به همین دلیل متوجه نشدم چرا مقتول به پایین سقوط کرد و در جریان رابطه کامران با مقتول نبودم.»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.



سارق وینچستری از خودروی سرقتی پیاده شد

سارق سابقه‌دار که سوار بر خودروی سرقتی در حال گشت‌زنی بود بازداشت و یک اسلحه وینچستر هم از وی کشف شد.

به گزارش جوان، سرهنگ مجتبی سهرابی، رئیس کلانتری ۱۰۱ تجریش گفت: شامگاه جمعه ۱۷آبان‌ماه مأموران کلانتری هنگام گشت‌زنی حوالی میدان تجریش به یک خودروی هیوندا که در حاشیه میدان توقف کرده‌بود، مظنون شده و پلاک آن را بررسی کردند. وقتی مشخص شد که این خودرو مدتی قبل اعلام سرقت شده‌است، مأموران راننده را بازداشت و در بازرسی از صندوق عقب آن هم یک قبضه اسلحه وینچستر کشف کردند. راننده اما گفت که از سرقتی بودن خودرو خبر نداشته است. او توضیح داد: این خودرو متعلق به دوستم است و تا جایی که می‌دانم خودرو را به نام همسرش سند زده است و من چند روز قبل آن را امانت گرفتم. متهم در توضیح اسلحه وینچستر هم مدعی شد: از مدتی قبل ۴میلیون تومان از یکی از دوستانم طلب داشتم. وقتی پول را مطالبه کردم گفت که فلان می‌تواند آن را تسویه کند و تا آن زمان این اسلحه را به من داد تا هر زمان پولم را فراهم کرد اسلحه را به او برگردانم. متهم مدعی شد که از غیرقانونی بودن حمل این اسلحه هم خبر نداشته‌است!

همزمان با انتقال متهم به اداره پلیس سوابق وی بررسی و مشخص شد که متهم از مجرمان سابقه‌دار است که قبلاً به اتهام سرقت خودرو در شهرستان آملی بازداشت و به تحمل پنج‌سال حبس محکوم شده بود. او پس از تحمل دو و نیم سال از دوران محکومیت خود موفق شده بود به صورت مشروط از زندان آزاد شود.

سرهنگ مجتبی سهرابی گفت: بعد از به دست آمدن این اطلاعات بود که متهم به دستور قضایی روانه زندان شد.